

از امید فردی تا امید اجتماعی



◀ **دکتر حسین میرزایی** - مردم‌شناس و عضو هیأت علمی گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی / مفهوم «امید» و مکانیسم‌های فردی و اجتماعی آن در چند دهه اخیر بسیار مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی قرار گرفته است. امروز نیز

بیش از هر زمان دیگری توجه به امید هم به عنوان یک ویژگی روانشناختی و هم به مثابه پدیده‌ای اجتماعی ضرورت یافته است. امید یعنی توانایی شخص برای هدف‌گذاری تجسم مسیرهای لازم برای رسیدن به هدف‌ها و داشتن انگیزه لازم در جهت رسیدن به آنها. امید، هم داشتن انتظاری ممکن در رسیدن به هدف می‌تواند باشد؛ هم درک هدف و هم درک مسیرهای هدف، یعنی فرد امیدوار حس می‌کند که می‌تواند در صورت نداشتن راه، مسیرها را خلق کند. امید یکی از ویژگی‌های زندگی است که مردم را به سوی جست‌وجوی فردایی بهتر وامی‌دارد. امید به زندگی، یکی از شاخص‌های بسیار مهم سلامتی و رفاه در انسان به شمار می‌رود، یک حالت انگیزشی مثبت که مبتنی بر حس پایداری و راه‌یابی است که به تعادل فرد با محیط منجر خواهد شد. امید مجموعه‌ای از شرایط است: دارا بودن اهداف ارزشمند شخصی و ادراک توانایی برای تولید راهبردها در تعقیب اهداف. همچنین امید دست یافتن به حالتی است که به فرد اجازه می‌دهد به شرایط جدید یابی سامان، پاسخی مناسب ارائه دهد و این امکان را فراهم می‌سازد که زمانی که وصول به اهداف گذشته و ساز و کارهای قدیمی، به علت معضلات متعدد امکان پذیر نباشد، فرد برای مشخص کردن اهداف جدید و پیشنهاد مسیرهای موازی و جایگزین برای رسیدن به آن اهداف تلاش کند. امید، به تمایل برای دستیابی به هدفی عینی که احتمال دسترسی به آن وجود داشته باشد اشاره دارد و لازم است که آن هدف برای فرد جنبه حیاتی داشته باشد. ضرورتاً آن آرزو باید بازتابی از ارزش‌های اخلاقی باشد به این دلیل که انسان‌ها به مسائل غیر قابل پذیرش از سوی جامعه کمتر دل می‌بندند.

با توجه به این مقدمه، لازم است بین امید فردی و امید اجتماعی تمایزهایی قائل شد. امید از نگاه فردی - و نه اجتماعی - درباره پیشرفت افراد به سوی زندگی مطلوب تر سخن می‌گوید بی‌آنکه اثر کنش‌های آنها را بر مؤلفه‌های غیر فردی (دیگران و جامعه) در نظر بگیرد. همچنین امید فردی نمایان‌گر این نیست که چگونه ارتباطات اجتماعی و پیوندهای گروهی بر امید افراد اثر خواهد گذاشت. در این نگاه سیاست و مدیریت اجتماعی غایب است و توجهی به برابری حقوق اجتماعی و فرصت‌های برابر و نابرابر در جهت افزایش و کاهش امید ندارد. از منظر اجتماعی، امید مفهومی پارادوکس‌آلود تلقی می‌شود، به این معنا که برای چیزهایی که امکان رخداد آنها کم است نه انتظاری منفعل به شمار می‌رود و نه فعال. در علوم اجتماعی، مفهوم امید با مفهوم «تغییر» گره خورده است، تغییری که در گروه کنش جمعی است. کنش جمعی نیازمند اعتماد و رزی افراد در مواجهه با تغییرات اجتماعی مطلوب و امکان شناخت آن تغییرات است. بر همین مبنا، روند اعتماد و رزی اجتماعی در ارتباط با روند امید جمعی قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که اعتماد عمومی با اعتماد جمعی نیز متفاوت است؛ اولی به مکانیسم‌های بی‌محتوایی اشاره دارد که از طریق تعامل حرفه‌ای و چرخش نخبان در مسند قدرت، امید را به جامعه انتقال می‌دهد و دومی، محصول شناخت، آگاهی و تعهد به اهداف و فرآیندهای عملی و عینی است. اعتماد جمعی بر اقناع و پذیرش مردمی متکی است و تحمیل در آن جایی ندارد. در این بستر، امید جمعی به حیات انسان‌ها انسجام و معنای می‌دهد.

در جوامعی که داعیه جمهوریت و احترام به نظر مردم وجود دارد، انتظار می‌رود نهادهای دولتی و عمومی مسئولیت روندهای ایجاد امید عمومی و جمعی را بر عهده بگیرند. در این جوامع، امید جمعی برای جلب مشارکت عمومی، لازم و ضروری تلقی می‌شود و سعی در پیشبرد و افزایش آن، یکی از اهداف اصلی

حاکمیت این جوامع به شمار می‌رود. در جامعه‌ای که افراد امکان طرح ایده‌های خود درباره «تغییرات اجتماعی» را دارند - صرف نظر از امکان تحقق آن‌ها - می‌توان اذعان کرد روند امید جمعی در متن آن جامعه هنوز جریان دارد. در این زمینه اجتماعی، افراد به شکلی دلبخواهانه از برخی حقوق و آزادی‌های فعلی خود صرف نظر می‌کنند به این امید که پویایی و تغییر اجتماعی در آینده برای آنها مزایای بیشتری به همراه بیاورد. در جامعه‌ای که امید نتواند جایگاه واقعی خود را پیدا کند ممکن است مردم ارتباط خود را با پایه‌های اجتماعی قدرت قطع کنند، قطع ارتباطی که الزاماً به معنای عداوت با آن نیست، هر چند بی‌ارتباط با آن هم نیست. این قطع ارتباط می‌تواند موقتی و در عین حال زمینه‌ای برای افزایش امید جمعی، در موقعیت‌های ورای حاکمیتی - و خارج از اقدام دولتی - باشد.

نهادهای امید، به عنوان نوعی انتظام فرهنگی در زندگی افراد نقشی اساسی دارند. منظور از این نهادها، آیین‌ها و قوانین رسمی و غیر رسمی‌ای هستند که در شکل‌گیری روابط اجتماعی مؤثرند و متضمن ایجاد فرصت‌ها و زمینه‌ها برای دسترسی به اهداف و آرزوهای جمعی هستند. این نهادهای اجتماعی این قدرت را دارند که فرد را از موقعیت کنونی جدا سازند تا در آینده‌ای که ممکن است مبهم و پوچ به نظر رسد، رها شود و خود را در جامعه‌ای بیاید که در آن با مشارکتی پویا و مسئولانه، برای اعتلای آرزوهای جمعی تلاش می‌کند.

بدون هیچ تردیدی امید جمعی از طریق امید شخصی و امید فردی به وجود می‌آید. اگر امید هسته اصلی موجودیت انسان‌ها باشد، پس می‌توان این پرسش را مطرح کرد که چگونه می‌توان امید را نه فقط برای افراد بلکه برای گروه‌ها و جوامع ایجاد کرد؟ در سطح جمعی و در تجربیات روزمره اجتماعی زمینه‌های مختلفی برای ایجاد حس امید و همبستگی وجود دارد که از طریق آنها، ارزش‌ها و هنجارها و هویت اجتماعی به اعضای جامعه منتقل می‌شود. ما از طریق به اشتراک گذاشتن شناخت‌ها، امید جمعی را در خود و دیگران ایجاد و حفظ می‌کنیم.

با توجه به این، می‌توان جایگاه امید فردی را در امید جمعی تبیین کرد. در اینجا احساس فردی کنشگری به احساس جمعی توانمندی یا اثربخشی سیاسی تبدیل می‌شود و امکان استماع صدای جمعی را فراهم می‌کند. راه دستیابی به اهداف در نظریه امید فردی را می‌توان با نوعی نهاد اجتماعی تبیین کرد که برای پیگیری جمعی خواسته‌های گروهی کنش‌ورزی می‌کند. البته لازم‌ه چنین زیربناهای اجتماعی، وجود اشکال خاصی از حکمرانی دولت از نوع دموکراتیک آن است. در دولت‌های توتالیتر و شبه توتالیتر اصولاً راهکار و امید چندان برای تحقق خواسته‌های جمعی وجود ندارد.

امید اجتماعی را می‌توان بر اساس دو معیار عملیاتی کرد: اول، اگر روند حرکت جامعه با هدف تحقق دیدگاه اجتماعی مشترک باشد، می‌تواند اعضایش را به زندگی بهتر امیدوار کند. دوم، اینکه جامعه از چه راهی می‌خواهد دیدگاه اجتماعی مشترک را محقق سازد؟ آیا این راه مشروعیت و عمومیت اجتماعی دارد یا خیر؟ یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مشروعیت و عمومیت اجتماعی، میزان افرادی است که با وجود تعلق به خرده گروه‌های خاص، برای همکاری با دیگران آمادگی لازم را دارند. بنابراین، در این شرایط، همکاری درون گروهی متناسب با اهداف مشترک و حس توانمندی در قالب هویت گروهی افزایش می‌یابد.

در پایان باید گفت که چه چیزی می‌تواند مشروع تر از امید باشد؟ امید همیشه با آینده رابطه‌ای تنگاتنگ دارد، امید قدرت انسان در خیالپردازی برای ایجاد شرایطی متفاوت با وضعیت موجود را تقویت می‌کند. جامعه امیدوار همواره منتظر تحقق اهداف دموکراتیک، عادلانه و صلح‌جویانه خود است و این چنین، هویتی دموکراتیک، عدالت‌خواه و صلح‌طلب ایجاد می‌شود که در قالب جنبش‌ها و مشارکت اجتماعی برای تحقق آینده‌ای بهتر تلاش می‌کند.

